

## بررسی و نقد کتاب تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)

منصور زراءنژاد\*

### چکیده

تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان رایج مستلزم بررسی و نقد ادبیات این حوزه است. بررسی ابعاد شکلی کتاب «تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی» نشان داد که در مجموع، کیفیت حروف نگاری و صفحه‌آرایی اثر متوسط و کیفیت چاپ و صحافی خوب است. بررسی ابعاد محتوایی اثر نشان داد چالش‌های عمده اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر در وابستگی به نفت، جنگ‌تحمیلی، پایین بودن بهره‌وری، عمق کم بازارهای پولی و مالی و تحریم‌های بین‌المللی خلاصه شده است. برای رفع این چالش‌ها، بازآفرینی نقش دولت، توانمندسازی، آزادسازی، توسعه فضای رقابتی، بهبود فضای کسب و کار، کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه‌های خارجی، و توسعه بازارهای پولی و مالی به‌عنوان راهکار معرفی شده است. این راهکارها غالباً کلی و تکراری است و ارتباط آن‌ها با اقتصاد مقاومتی توضیح داده نشده است. این اثر به دلیل استفاده از آمار نسبتاً زیاد در بررسی روند تغییرات و ارتباط آن با مقاومت اقتصادی از طریق تکرارهای جنگ، قیمت نفت و تحریم، نسبت به بسیاری از آثار مشابه که غالباً ساختار خطابه‌ای و غیر آماری دارند، برتری دارد. از منابع علمی معتبر به اندازه کافی استفاده نشده است. میزان سازواری این اثر با مبانی و نگرش اسلامی بسیار مطلوب است.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مقاومتی، مقاومت اقتصادی، شاخص‌های کلان اقتصادی، نقد کتاب.

\* استاد اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز و عضو کارگروه اقتصاد شورای بررسی متون، m.zarran@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۸

## ۱. مقدمه

اولین بار که اصطلاح علمی مقاومت (resistance) از ادبیات فیزیک و مهندسی وارد حوزه علوم انسانی شد، در ادبیات روانشناسی مورد استفاده قرار گرفت. سپس این اصطلاح به ادبیات اقتصاد راه یافت و به عنوان یکی از ویژگی‌های مدل‌های اقتصادی به کار گرفته شد (Zaman and Vasile, 2014). علی‌رغم رواج اصطلاح مقاومت اقتصادی در ادبیات اقتصاد هنوز در مورد تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد. بعد از مطرح شدن ایده اقتصاد مقاومتی در ایران، تبیین علمی مفهوم اقتصاد مقاومتی مورد توجه جدی قرار گرفت. با توجه به ادبیات اقتصادی موجود، اقتصاد مقاومتی با اوصافی مانند: ضد شکنندگی، پایداری، استحکام، ثبات، بازدارندگی، مقاومت، حمایت، ضد تحریم (قلیچ و خوانساری، ۱۳۹۴)، ریاضتی، انعطاف پذیر و اسلامی توصیف شده است. اقتصاد مقاومتی غالباً با چهار رویکرد معرفی شده است. بر اساس این رویکردها اقتصاد مقاومتی مترادف با اقتصاد اسلامی، یا مترادف با اقتصاد تحریم محور، یا مترادف با اقتصاد انعطاف‌پذیر، یا همان اقتصاد ریاضتی است. هر کدام از این رویکردها بر یک جنبه از اقتصاد مقاومتی تأکید کرده‌اند (میرجلیلی، ۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی را باید به عنوان یک الگوی بومی و اسلامی متناسب با نیازهای کشور دانست که مقاوم، منعطف، بالنده، درون‌زا، برون‌نگر، مردم‌بنیاد، و عدالت‌محور است و از جمله الزامات آن حمایت از تولید ملی، افزایش بهره‌وری، و حمایت از فعالیت‌های تولیدی است (مجمع تشخیص مصلحت، ۱۳۹۲).

با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و لزوم تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان رایج، لازم است که آثار تولید شده در این حوزه مورد بررسی و نقد قرار گیرد تا راه واکاوی و تنقیح این آثار فراهم شود و با زدودن ابهامات موجود، امکان تبدیل اقتصاد مقاومتی به گفتمان رایج و بستر لازم برای اصلاح ساختار اقتصاد ایران فراهم شود. در این راستا مقاله حاضر به بررسی و نقد علمی یکی از آثار منتشر شده تحت عنوان «تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)» می‌پردازد. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. بعد از مقدمه، اثر به اختصار در بخش دوم معرفی می‌شود. بخش سوم به بررسی ابعاد شکلی اثر می‌پردازد. ابعاد محتوایی اثر موضوع بررسی بخش چهارم است. بخش پایانی به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

## ۲. معرفی اثر

کتاب «تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی)» توسط احمد تشکینی و امیررضا سوری توسط انتشارات نور علم در ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۵۷۰۰۰ ریال برای نخستین بار در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده و تاکنون هنوز تجدید چاپ نشده است. هدف از تألیف این کتاب تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران و ارائه راهکارهای قابل اجرا ذکر شده است. کتاب مورد بررسی شامل یک مقدمه و سه فصل است. فصل اول کتاب تحت عنوان «تحلیلی بر عملکرد اقتصاد کلان ایران طی دوره ۹۱-۱۳۳۸» به تحلیل آماری اقتصاد کلان طی دوره مذکور می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «تحلیلی بر عملکرد اقتصاد کلان ایران طی دوره ۹۱-۱۳۳۶» (به تفکیک دوره‌های چهارساله) با هدف بررسی عملکرد اقتصاد کلان ایران به تفکیک دولت‌های سوم تا دهم تدوین شده است. در فصل سوم که با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای اقتصاد کلان ایران (با رویکرد مقاومتی)» نام‌گذاری شده است، برخی از چالش‌ها و مشکلات اساسی اقتصاد ایران بررسی شده و راهکارهایی برای برون‌رفت از وضع موجود و دستیابی به اهداف افق ۱۴۰۴ با رویکرد اقتصاد مقاومتی ارائه شده است.

## ۳. بررسی ابعاد شکلی اثر

اگرچه پیام هر اثر از طریق محتوا به مخاطب انتقال می‌یابد، اما محتوا در قالب شکل تعیین می‌یابد و متأثر از شکل و قالب است. ارتباط شکل و محتوا و تأثیر شکل در کمیت و کیفیت انتقال پیام انکارناپذیر است (درودی، ۱۳۹۱). از این رو، هر نقد علمی باید ابعاد شکلی اثر را از نظر میزان جامعیت صوری، کیفیت چاپ و نشر، رعایت اصول نگارش و التزام به قواعد ویرایش تخصصی، و میزان روان و رسا بودن مورد بررسی و نقد قرار دهد (شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۱۳۹۰). علاوه بر این، چون برخی از آثار منتشر شده ممکن است در برنامه آموزشی به عنوان منبع درسی یا کمک درسی مورد استفاده قرار گیرند، لازم است که این آثار از نظر قابلیت کاربرد در برنامه آموزشی مورد ارزیابی و نقد قرار گیرند. به همین دلیل، در این بخش به بررسی امتیازات و کاستی‌های ابعاد شکلی این کتاب پرداخته می‌شود.

### ۱.۳ جامعیت صوری اثر

بررسی مؤلفه‌های جامعیت صوری نشان داد که اثر فاقد پیشگفتار است و با مقدمه مؤلف آغاز می‌شود. در مقدمه تصریح شده است که هدف اصلی از تألیف کتاب تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران و ارائه راهکارهای عملی است. با وجود اینکه هدف «تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران» تعیین شده است، اما عنوان ناظر به «تحلیل شاخص‌های اقتصاد کلان در ایران» است و تحلیل مطالب در متن اثر نیز به گستردگی دامنه موضوعات کلان اقتصاد ایران نیست و تنها برخی از شاخص‌های کلان مهم اقتصاد ایران را در بر می‌گیرد.

فهرست مطالب به صورت تفصیلی تنظیم شده است و اثر فاقد فهرست اجمالی مطالب و بدون فهرست جداول و نمودارها است. هرکدام از فصول اثر با یک مقدمه کوتاه آغاز شده است. با توجه به موضوع اثر که مقتضی ارائه شاخص‌ها به صورت جداول و نمودارها است، ۴۳ جدول و نمودار بدین منظور مورد استفاده قرار گرفته است. اما در این میان، در ۱۰ مورد (در صفحات ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۱ و ۴۲) شاخص‌های گزارش شده در قالب جداول، مجدداً به صورت نمودار نیز تنظیم و گزارش شده است که این امر لازم و مفید برای فهم و درک بیشتر یا بهتر مطلب نیست. رویه مورد اشاره این سؤال را مطرح می‌کند که لزوم ارائه برخی از مطالب به صورت جدول و نمودار چیست، و چرا بقیه مطالب بر اساس این رویه تنظیم و گزارش نشده است؛ اما اثر در خصوص لزوم یا فایده به‌کارگیری این رویه ساکت است.

این اثر اساساً به منظور استفاده به عنوان منبع درسی تألیف و تدوین نشده است. به همین دلیل در قالب یک درسنامه یا یک کتاب درسی تنظیم نشده است. از این رو، کاربرد اثر در برنامه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضعیف ارزیابی می‌شود؛ اما این اثر می‌تواند به عنوان یک گزارش خلاصه از شاخص‌های کلان اقتصاد ایران به تفکیک دوره‌های مختلف در دروسی مانند اقتصاد ایران و اقتصاد کلان در مقطع کارشناسی به مثابه یک منبع تکمیلی مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد. علاوه بر آن، این اثر می‌تواند برای کسب اطلاع اجمالی از چالش‌های اقتصاد ایران و آشنایی با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به صورت فرعی و تکمیلی مفید باشد.

از نظر جمع‌بندی مطالب، اثر به گونه‌ای تنظیم شده است که در هر فصل با یک جمع‌بندی از مطالب ارائه شده در آن فصل پایان می‌یابد، اما فاقد یک جمع‌بندی کلی در

پایان کتاب است. منابعی برای کسب اطلاعات بیشتر یا پیشنهاد پژوهشی‌ای برای تکمیل تحقیق نیز در پایان فصول یا در پایان کتاب ارائه نشده است. نمایه‌ای برای اعلام، موضوعات، منابع و اصطلاحات به‌کاررفته در اثر تنظیم نشده، و تنها به تنظیم فهرستی از منابع استفاده شده در متن اثر اکتفا شده است. با توجه به آنچه اشاره رفت، در مجموع میزان جامعیت صوری اثر متوسط ارزیابی می‌شود.

### ۲.۳ کیفیت ظاهری و فنی

منظور از بررسی کیفیت ظاهری و فنی اثر این است که مؤلفه‌هایی مانند طرح‌روی جلد، حروف‌نگاری، صفا آرابی، چاپ و صحافی مورد بررسی قرار گیرد و نمونه‌خوانی اثر از نظر وجود اغلاط املائی و چاپی واکاوی شود.

#### ۱.۲.۳ طرح‌روی جلد

طرح‌روی جلد نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد، اما حاوی نماد یک بافت‌نگار و تصویر آن در صفحه مقابل آن است. دلالت بافت‌نگار بر نمایش شاخص‌ها دلالت واضح و قانع‌کننده‌ای است، اما انعکاس تصویر بافت‌نگار در صفحه مقابل آن از دلالت واضح و پیام‌رسانی آشکاری برخوردار نیست. شاخص‌ها به صورت یک روند صعودی تنظیم شده است و برای تأکید بیشتر بر روند صعودی شاخص‌ها یک پیکان کاملاً برجسته به‌رنگ قرمز هم‌جهت با روند صعودی در بالای بافت‌نگار ترسیم شده است. بافت‌نگار به صورت طیفی از رنگ‌های قرمز و زرد رنگ‌آمیزی شده است. تنها نمادی که حاکی از اقتصاد مقاومتی است، عبارت برجسته قرمز رنگ «اقتصاد مقاومتی» است که بر روی سایه خاکستری پیکان یادشده نوشته شده است. طرح‌روی جلد بر روی شبکه‌ای از خطوط موازی (و گاهی متقاطع) با چند نقطه محدود، اما مشخص در بالا و سمت راست صفحه با رنگ زمینه‌ای آبی، سفید و نارنجی نشسته است. جالب توجه است که طرح‌روی جلد این اثر احتمالاً الهام‌بخش استفاده از نمادهای بافت‌نگار و پیکان و عبارت «اقتصاد مقاومتی» در طرح‌روی جلد اثر دیگری مانند «مجموعه مقالات اقتصاد مقاومتی و تولید ملی» به قلم جمعی از اساتید دانشگاه آزاد اسلامی قزوین چاپ سال ۱۳۹۴ انتشارات کاسپین قزوین شده است.

### ۲.۲.۳ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

در این بخش کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر بررسی می‌شود. در این بررسی مؤلفه‌ها و عناصری مانند نوع قلم، اندازه حروف، فاصله حروف، شکل حروف، فاصله خطوط، و پاراگراف‌بندی ارزیابی و زبان بصری و تصویری، هنر پردازش و چیدمان متن برای کتاب، به‌عنوان شاخص‌ترین رسانه چاپی (افشار مهاجر، ۱۳۹۲)، مورد نقد قرار می‌گیرد. قلم و اندازه حروف متن خوب و فاصله خطوط مناسب است. اما قلم نستعلیق استفاده شده برای عنوان‌های فصول با توجه به موضوع اثر و قلم استفاده شده در متن از تناسب لازم برخوردار نیست و از زیبایی چیدمان متن و صفحه‌آرایی اثر کاسته است. اندازه قلم عنوان‌های اصلی و فرعی اول و دوم به ترتیب از زیاد به کم و به‌طور مناسب انتخاب شده است؛ اما از نظر انتخاب نوع قلم برای این عنوان‌ها دقت لازم صورت نگرفته است. عنوان‌های اصلی با قلم «بی-تیر» نوشته شده است و برای عنوان‌های فرعی قلم «بی-نازنین» انتخاب شده است. اشکال این است که شیوه نمایش اعداد در قلم استفاده شده برای عنوان‌های اصلی با شیوه نمایش اعداد در قلم به‌کار رفته برای عنوان‌های فرعی و متن اثر متفاوت است. به‌طور مشخص این تفاوت زیبایی بصری و تصویری متن را خدشه‌دار می‌کند؛ زیرا برخی از اعداد به حسب استفاده از قلم‌های متفاوت گاهی به صورت ۴، ۵ و ۶ و گاه دیگر در همان‌جا به صورت ۴، ۵ و ۶ نشان داده می‌شوند که این تفاوت علاوه بر این‌که از زیبایی بصری و تصویری متن که هدف اصلی حروف‌نگاری است، می‌کاهد، خلاف مقتضای رسم‌الخط صحیح است.

نکته شایان توجه دیگر این است که چون سطور اول هر پاراگراف بدون تورفتگی است، لازم بود که بعد از هر پاراگراف فاصله‌ای بیش‌تر از فاصله معمول میان خطوط داده شود تا پاراگراف‌ها از هم جدا و مستقل نشان داده شوند و چیدمان مناسب متن به فهم و درک بهتر مطالب کمک بیش‌تری نماید. البته شیوه عدم تورفتگی سطور در دو صفحه پایانی نقض شده است. برخلاف رویه معمول در کل اثر، در تنظیم فهرست مطالب، سطر دوم هر منبع همراه با تورفتگی غیر متعارف از نظر اندازه، تنظیم شده است که نشان دیگری از ضعف صفحه‌آرایی است. یکی از نقاط ضعف دیگر صفحه‌آرایی، یکسان نبودن تعداد خطوط هر صفحه است. چنین نقصی دامن‌گیر بیش از یک‌سوم از صفحات کتاب شده است که در عمل، فلسفه و هنر صفحه‌آرایی نادیده گرفته شده است. غفلتی که بسیار نمایان است، اعداد به‌کار رفته در عنوان‌ها و در داخل برخی از جداول (برای نمونه صفحات ۶ و

۱۸) برخلاف معمول به صورت اعداد انگلیسی نوشته شده است. هم‌چنین، اندازه برخی از اعداد در نمودارهای مختلف (برای نمونه صفحات ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۵۹) به اندازه‌ای متفاوت است که در مواردی موجب درهم‌آمیختگی اعداد و ستون‌های بافت‌نگارها شده است. علاوه بر آن، برخی از اعداد به دلیل کثرت و پراکندگی در سطح نمودار، بر روی یکدیگر قرار گرفته (به‌ویژه نمودار صفحه ۵۹) و وضعیت نامناسبی را ایجاد کرده است. جدول صفحه ۳۸ غیر از اشکال اخیر، از نظر کیفیت رنگ و وضوح شکل ایراد دارد. دیگر آن‌که برخی از عنوان‌های جداول به‌طور غیر لازم در دو خط تنظیم شده است، در حالی که سطر دوم شامل فقط یک کلمه است، و در برخی از موارد دیگر، عنوان‌های جداول خارج از چارچوب و حاشیه جدول است (برای نمونه صفحات ۳۰، ۴۰، ۴۴، ۶۲، ۶۳)، به گونه‌ای که هم این جداول را با بقیه جداول متفاوت کرده است و هم به‌طور آشکار از زیبایی چیدمان و پردازش متن کاسته است.

نظر به موارد اشاره شده و در مجموع، کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر متوسط ارزیابی می‌شود.

### ۳.۲.۳ کیفیت چاپ و صحافی، و قطع اثر

از مشخصات چاپ مطلوب در حالت سیاه و سفید، می‌توان به درجه وضوح چاپ، ثبات رنگ، و ترکیب بهینه رنگ‌های سفید و سیاه برای ساخت طیفی از رنگ‌های میان سیاه و سفید با پرده‌های گوناگون خاکستری (رنگ‌های خشتی) برای استفاده در جداول و نمودارها اشاره کرد. اثر مورد بررسی از درجه وضوح چاپ حروف و ثبات رنگ بسیار خوب است. علی‌رغم فراهم بودن امکان استفاده از طیف بیشتر رنگ‌های خاکستری در نمودارها و جداول، برای زیبایی و به‌منظور تفهیم بهتر، تنها از دو رنگ خاکستری روشن و خاکستری سیر استفاده شده است؛ اما این امر خلل محسوسی ایجاد نکرده است. بنابراین کیفیت چاپ اثر خوب ارزیابی می‌شود.

از نظر قطع اثر، لازم به یادآوری است که اکنون رایج‌ترین قطع برای کتاب، غالباً قطع وزیری با ابعاد متغیر در فاصله ۲۰×۱۳ تا ۲۶×۲۰ سانتی‌متر است (سید اخلاقی، ۱۳۸۰). قطع اثر مورد بررسی وزیری با ابعاد ۲۳/۵×۱۶/۵ است. با توجه به تعداد اندک صفحات کتاب، به نظر می‌رسد که انتخاب ابعاد کوچکتر قطع وزیری، یعنی ۲۰×۱۳، برای این کتاب مناسب‌تر از قطع فعلی اثر باشد. از سوی دیگر، چون تعداد صفحات اثر اندک است، به نظر

می‌رسد که شیرازه کتاب در برابر تعدد دفعات استفاده از آن مقاوم باشد. از این‌رو، کیفیت صحافی اثر خوب ارزیابی می‌شود. با توجه به مطالب بیان‌شده، کیفیت چاپ و صحافی خوب و قطع اثر نسبتاً مناسب ارزیابی می‌شود.

### ۴.۲.۳ نمونه خوانی و اغلاط چاپی

نمونه خوانی مطلوب موجب می‌شود که متن حروف‌نگاری شده از نظر جاافتادگی‌ها، مطابقت با رسم‌الخط، یکپارچگی متن، و تصحیح غلط‌های چاپی و املائی تنقیح شده باشد. نمونه خوانی از نظر تصحیح اغلاط املائی و چاپی احتمالی نسبتاً موفق بوده است، اگرچه برخی از اغلاط املائی یا دستور زبانی مانند بطئی (بطیء)، گزارشات (گزارش‌ها)، متخصصین (متخصصان)، عاملین (عاملان)، تمام (تمامی)، بی‌ثبات (بی‌ثباتی)، مجموعه (مجموع)، مأخذ (مأخذ)، حاصله (حاصل)، وارده (وارد شده)، تحریم‌های (تحریم‌هایی)، بنگاه‌های (بنگاه‌های)، مقطع سوم ۶۴-۱۳۵۲ (مقطع سوم ۷۵-۱۳۶۵) و جدول ۵-۲ (جدول ۵-۱) تصحیح نشده است (برای نمونه: صفحات ۲، ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۳۳، ۴۱، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۶۹، ۷۱). از سوی دیگر، با توجه به اشکالات اشاره شده در بخش‌های قبل نظیر به‌کاربردن قلم‌های متفاوت، تداخل اعداد باهم و با ستون‌های نمودارها، یکسان نبودن تعداد خطوط صفحات، و اشکالات دیگر هم‌چون جاافتادن عبارت «تحلیلی بر» از سرصفحات فصل‌های اول و دوم، استفاده از علایمی غیر معمول مانند مستطیل ( ) برای تقسیم‌بندی مطالب به دسته‌های مختلف (در صفحات پایانی اثر)، استفاده از علامت ممیز اعشاری غیر لازم در سرفصل تمامی صفحات، تورفتگی‌های غیر مناسب (برای نمونه در صفحات ۱۹، ۲۰) نمونه خوانی وافی به مقصود نبوده و در سطح متوسط قابل ارزیابی است.

### ۳.۳ اصول عمومی نگارش و قواعد ویرایش تخصصی

در بررسی آثار علمی از نظر رعایت اصول نگارش و قواعد ویرایش، باید متن اثر از نظر محتوا، زبان، دقت، نظم، آراستگی، و رعایت علائم و قواعد نگارشی، و نکات دستوری و املائی ارزیابی شود. در این بخش، اثر حاضر از نظر رعایت قواعدی مانند قواعد همزه، تنوین، تشدید، جمع، فعل‌های ربطی، ضمائر اضافی، جدانویسی واژه‌ها، پیشوندها و پسوندها، و نیز قواعد نشانه‌گذاری نشانه‌هایی مانند ممیز اعشاری، نقطه، ویرگول، دو نقطه، گیومه، نقطه- ویرگول مورد بررسی قرار می‌گیرد.



در سرتاسر اثر از علائم همزه، تنوین و تشدید برای واژه‌های عربی استفاده نشده است (برای نمونه صفحات ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۴۵، ۵۰، ۵۴، ۶۶، ۶۸). از علامت جمع «ها» گاهی به صورت جدا از کلمه قبل و گاهی به شکل چسبیده به آن استفاده شده است (برای نمونه صفحات ۱۳، ۱۹، ۵۰، ۵۱، ۶۰). فعل ربطی تنها در یک مورد به کار رفته و شیوه استفاده از آن صحیح نبوده است (صفحه ۵۵). در بسیاری از موارد، قواعد مربوط به نیم‌فاصله، پیشوندها، پسوندها و حروف اضافه افعال به درستی رعایت نشده است (برای نمونه صفحات ۷، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۵۱، ۵۲، ۵۵، ۶۴، ۶۷، ۶۹). در سرتاسر، کتاب به جای ممیز اعشاری در زبان فارسی از نقطه که نشانه جداکننده جزء اعشاری اعداد در زبان انگلیسی است، استفاده شده است (برای نمونه صفحات ۷، ۹، ۱۳، ۱۷، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۴، ۵۷، ۶۱). در موارد متعددی، باید از نشانه‌هایی مانند ویرگول، دونقطه یا ویرگول-نقطه استفاده می‌شد، ولی غفلت شده است (برای نمونه صفحات ۴، ۵، ۷، ۱۷، ۲۵، ۳۷، ۴۶، ۴۸، ۵۸، ۶۲، ۷۲).

در سرتاسر اثر، اصرار به استفاده از کلمه «می‌باشد» قابل مشاهده است (برای نمونه صفحات ۱۷، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۳۴، ۷۲، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۵۶، ۶۳، ۷۱)، در حالی که به کار بردن کلمه «است» بسیار مناسب‌تر است. هم‌چنین، استفاده از برخی از کلمات عربی غیر لازم مانند «لذا»، استفاده از کلمه «جهت» به جای «برای»، استفاده از کلمه «خیر» به جای «نه»، ترکیب کلمات «یا» به همراه «و» (برای نمونه صفحات ۴، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۶۵، ۶۷).

با توجه به مطالب اشاره شده، رعایت اصول نگارش عمومی و قواعد ویرایش تخصصی متوسط ارزیابی می‌شود.

### ۴.۳ میزان روان و رسا بودن متن

متن علمی باید رسا و روان باشد. منظور از رسا بودن متن این است که محتوای متن مشخص و مفهوم آن برای مخاطبان هدف به سادگی قابل درک باشد. لازمه رسا بودن این است که متن با انشائی پاکیزه و فراخور مباحث علمی با استفاده از اصطلاحات و تعبیرهای خاص آن علم تهیه و تدوین شده باشد. روان بودن متن نیز به این معناست که نشر کتاب ابهام نداشته و از انسجام معنایی برخوردار باشد؛ این امر مستلزم آن است که ابتدا اجزاء سخن در جای خود نشانده شود؛ و سپس میان جملات یک پاراگراف و نیز میان پاراگراف‌های یک قسمت پیوند و ارتباط برقرار گردد.

این بخش برای بررسی روانی و رسایی اثر از طریق ارزیابی میزان انطباق متن با شاخص‌های زبانی، به واکاوی متن می‌پردازد. اگرچه متن از زبان ساده برخوردار است، اما در برخی از زمینه‌های دیگر از موفقیت لازم برخوردار نیست که از جمله آنها می‌توان به مواردی مانند: افاده درست لفظ بر معنا، رعایت زمان مناسب فعل، کاربرد درست عبارات، یکسان نبودن ساختار جملات، اجتناب از گزارش مکرر ارقام جداول یا نمودارها، عدم استفاده از جملات طولانی، و ارتباط مناسب درون‌بخشی بندها اشاره کرد. شواهد این مدعا کم نیست. یکی از این شواهد عنوان فصل سوم اثر است. عنوان این فصل «چالش‌ها و راهکارهای اقتصاد کلان ایران با رویکرد مقاومتی» است که خالی از اشکال نیست و احتمالاً منظور چالش‌های اقتصاد کلان ایران و راهکارهای برون‌رفت از آنها با رویکرد اقتصاد مقاومتی است. شاهد دیگر این متن است که «در دوره متقارن با برنامه عمرانی چهارم ... اغلب متغیرهای اقتصادی ... روندی افزایشی به خود می‌گیرد ... و متوسط رشد اقتصادی ... ۱۳ درصد بوده است» (ص ۴). در این متن عبارت «در دوره متقارن با» به جای واژه «طی» یا «در» به کار رفته است که نه مناسب و نه صحیح است؛ علاوه بر آن، این جمله از نظر زمان افعال (استفاده همزمان از حال استمراری و ماضی نقلی) و مطابقت فعل با نهاد نیز اشکال دارد. هم‌چنین در بسیاری از موارد، ساختار جملاتی که به بررسی روند تغییرات می‌پردازند، به این گونه است که چند متغیر در یک فراز به دنبال هم ذکر می‌شوند و در فرازی دیگر مقادیر متناظر با آن متغیرها به دنبال یکدیگر آورده می‌شوند. یک نمونه از این نوع جملات، این جمله است که «متوسط رشد اقتصادی، رشد پایه پولی، رشد نقدینگی، رشد قیمت کالاهای وارداتی، رشد نرخ ارز، رشد واردات، رشد مخارج دولت، و رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص طی دوره ... ۸، ۳۹، ۳۹، ۹، ۰/۳، ۹، ۴۴، ۵۱، ۲۱ درصد بوده است. هم‌چنین طی این دوره نرخ‌های تورم ... ۱۱، ۱۶، ۹، ۱۶، ۲۵ تجربه شد.» نمونه این گونه جملات در متن کم نیست (برای نمونه صفحات ۴، ۷، ۸، ۱۲، ۱۶). در موارد متعددی جملاتی مانند این جمله که «براساس جدول ... بیشترین و کمترین متوسط رشد ... مربوط به دوره‌های ... برابر با ۴۸/۹ و ۸/۷ درصد است» (صفحه ۳۵) یا جمله مشابه «براساس جدول ... بیشترین و کمترین متوسط رشد ... مربوط به دوره‌های ... برابر با ۲۷ و ۵/۵- درصد است» (صفحه ۳۸) از نشانه‌های دیگر این ضعف است.

با توجه به موارد یادشده، اثر از نظر میزان روان و رسا بودن متوسط ارزیابی می‌شود.

#### ۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

برای بررسی ابعاد محتوایی اثر باید قدرت تحلیل علمی مسأله یا مسائل مورد نظر، کیفیت تحلیل، شیو نقد، بی‌طرفی علمی، و نوآوری اثر ارزیابی شود؛ و محتوای اثر از نظر ساختار درونی (بنایی) و ساختار برونی (مبنایی) مورد نقد قرار گیرد.

#### ۱.۴ توان و کیفیت تحلیل علمی

هدف اثر تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران تعیین شده است، حال آن‌که عنوان کتاب محدود به تحلیل شاخص‌ها (نه موضوعات) اقتصاد کلان است. در تحلیل عملکرد اقتصاد کلان ایران، یک‌بار دوره مورد بررسی سال‌های ۹۱-۱۳۳۸ تعیین و به پنج مقطع زمانی نامنظم تفکیک شده است؛ و بار دیگر این دوره بدون هیچ توضیحی به سال‌های ۹۱-۱۳۶۰ محدود و به هشت مقطع زمانی چهارساله تفکیک شده است. دوره نخست دوره دوم را در برمی‌گیرد و توجیهی برای این هم‌پوشانی ذکر نشده است؛ دیگر آن‌که وجه تفکیک به پنج یا هشت سال، و نیز ملاک انتخاب بازه چهارساله یا بازه متغیر نیز مبهم مانده و توضیح داده نشده است.

در ابتدای فصل اول دلایل شکست برنامه عمرانی هفت‌ساله اول ذکر شده، اما برای این آن مستندی یا تحلیلی ارائه نشده است. همین رویه در بررسی بقیه برنامه‌های عمرانی نیز دنبال شده است. در تحلیل عملکرد اقتصاد کلان ایران طی دوره ۶۴-۱۳۵۲ به زمینه‌های گسترش و نهادینه شدن بیماری هلندی، وقوع تکانه نفتی ۱۳۵۳، فزونی گرفتن تقاضای مؤثر بر ظرفیت جذب اقتصاد، تنگناهای عرضه و پدیده تورم وارداتی، و در تحلیل دوره ۷۰-۱۳۶۵ به سیاست آزادسازی واردات و اعلام نرخ ارز ترجیحی - رقابتی برای واردات مواد اولیه و تعدیل انتظارات تورمی پس از پایان جنگ اشاره شده است. سپس در تحلیل دوره ۷۳-۱۳۷۱ به اجرا شدن بسته سیاستی مشتمل بر سیاست‌های انبساطی پولی و مالی و حرکت در راستای تک‌نرخ شدن ارز و آزادسازی واردات اشاره و (بدون ذکر سند) ادعا شده است که در این دوره دولت سیاست ارزی کاهش ارزش پول ملی را به‌منظور رشد صادرات غیر نفتی به‌اجرا گذاشته شده است، حال آن‌که حفظ ارزش پول از سیاست‌های رسمی اعلام شده دولت‌ها (فارغ از موفقیت یا عدم موفقیت آنها) در همه دوره‌ها بوده است. تحلیل‌های یادشده صرفاً در حد توصیف و ذکر موارد بوده است، و به‌صورت استدلالی و تحلیل علی نیست، اما در مقایسه با تحلیل ابتدای فصل از کیفیت بهتری برخوردار است.

به هر حال، تحلیل‌ها غالباً به صورت بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی مذکور در جداول و نمودارهاست، به گونه‌ای که فصل دوم تماماً توصیف نوشتاری آمار ثبت شده در جداول یا نمایش داده شده در نمودارها و فاقد جنبه تحلیلی و استدلالی است (صص ۴۶-۲۳). در موارد معدودی که تغییرات یک یا چند متغیر به عنوان علت تغییرات متغیر دیگری ذکر شده است، صرفاً مستند به بررسی روند تغییرات متغیرها بوده و فاقد تحلیل علمی یا استناد علمی است. علاوه بر آن، شاخص‌های مورد بررسی برای ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان ایران در فصل اول و دوم یکسان نیستند. در فصل دوم برخی از شاخص‌های فصل اول حذف و شاخص‌های دیگری جایگزین آنها شده است. در فصل سوم که با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای اقتصاد کلان ایران با رویکرد مقاومتی» است، از دو شاخص «بهره‌وری» و «عمق بازارهای پولی و مالی» استفاده شده است که پیش از این در فصول قبل مورد نظر و منشأ اثر نبوده‌اند. در جمع‌بندی فصل اول و دوم بر جنگ تحمیلی، وابستگی به نفت، تحریم‌های بین‌المللی (ص ۲۲) و چالش‌های ساختاری (ص ۴۶) به عنوان مشکلات اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر تأکید شده است.

در فصل سوم سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و جوهره آن، و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و جوهره آن به اختصار بیان شده است. سپس هشت چالش عمده برای اقتصاد ایران ذکر شده است که از این میان چهار چالش با عنوان‌های «تکمیل محصولی بودن اقتصاد یا وابستگی به نفت» (ص ۵۴)؛ «وابستگی تولید به واردات» ناشی از اتکای واردات بر درآمدهای ارزی نفتی (ص ۶۱)؛ «وابستگی درآمدهای دولت به صادرات نفت و گاز» (ص ۶۴)؛ و «عدم توازن سهم دولت و بخش خصوصی» به دلیل وابستگی اقتصاد به نفت (ص ۶۶) است. این چالش‌ها در واقع ماهیتاً همان وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام است. از «پایین بودن بهره‌وری» به عنوان چالش پنجم (ص ۵۵)، «پایین بودن انعطاف پذیری تولید کل» به عنوان چالش ششم (ص ۶۴) و «وجود انحصارات و درجه پایین رقابت» به عنوان چالش هفتم نام برده شده است؛ اما انعطاف کم تولید کل به پایین بودن بهره‌وری و قدرت پایین رقابت پذیری نسبت داده شده (ص ۶۵) و بهره‌وری پایین نیز به نوبه خود نتیجه وجود انحصارات و درجه پایین رقابت قلمداد شده است (ص ۶۴). در واقع، این سه چالش نیز ماهیتاً به پایین بودن بهره‌وری بازمی‌گردند. «عدم تعمیق بازارهای پولی و مالی» به عنوان چالش هشتم ذکر شده است (ص ۶۶). بنابراین، چالش‌های عمده اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر در وابستگی به نفت، جنگ تحمیلی، پایین بودن بهره‌وری، عمق کم بازارهای پولی و مالی و تحریم‌های بین‌المللی خلاصه شده

است. در پایان فصل سوم راهکارهای مقام‌سازی اقتصاد کلان ایران ارائه شده است (صص ۶۶-۷۲). این راهکارها عبارتند از: نوسازی نهادی و بازآفرینی نقش دولت برای جبران کاستی‌های بازار و اثر بخشی دولت است (ص ۶۷)؛ توانمندسازی و رقابت‌مندی برای تعامل فعال با اقتصاد جهانی است (ص ۶۸)؛ آزادسازی و خصوصی‌سازی برای افزایش کارایی و رشد با ملاحظه توسعه مالکیت و کاهش فقر و محرومیت (ص ۶۹)؛ توسعه فضای رقابتی و ایجاد شفافیت اقتصادی (ص ۷۰)؛ بهبود فضای کسب و کار (ص ۷۰)؛ کاهش تدریجی وابستگی به نفت (ص ۷۱)؛ تعامل سازنده و پویا با دنیای خارج و جذب سرمایه‌گذاری خارجی (ص ۷۱)؛ و تقویت و توسعه بازارهای پولی و مالی (ص ۷۲). در ارتباط با راهکارهای مذکور دو نکته قابل تأمل است. نخست، این راهکارها غالباً کلی و پیش از این نیز مکرراً در ادبیات اقتصادی آمده است؛ و دیگر این که ارتباط این راهکارها با اقتصاد مقاومتی مورد بحث قرار نگرفته است.

در مجموع، میزان دقت در به‌کارگیری اصطلاحات و معادل‌های تخصصی در بیان شاخص‌ها و توصیف روند تغییرات متغیرها خوب بوده، اما استفاده از ابزار علمی برای تفهیم مطالب تنها محدود به جدول و نمودار شده است.

در موارد اندکی دقت لازم در بررسی روند متغیرها نشده است، از جمله در این مورد که تغییرات نرخ تورم طی سال‌های ۷۰-۱۳۶۸ به‌عنوان روند کاهنده معرفی شده است، درحالی که نرخ تورم در این دوره به‌ترتیب ۱۷/۴، ۸/۹ و ۲۰/۷ گزارش شده است (ص ۱۳).

اثر به بررسی ادبیات موضوع و مرور سوابق تحقیق پرداخته است. از این رو، محتوای توصیفی تقریباً غیر تحلیلی اثر فاقد بررسی و نقد آراء دیگران در موضوع مورد بحث است و بی‌طرفی علمی نیز موضوعاً منتفی است. از نظر نوآوری نمی‌توان آن را اثر نوآورانه دانست؛ اما نکته‌ای که اثر را از خیلی از آثار منتشر شده در موضوع متمایز می‌کند، بررسی آماری نسبتاً زیاد روند تغییرات برخی از متغیرهای مهم اقتصاد کلان و تلاش برای ارتباط روند تغییرات در دوره‌های مختلف با مقاومت اقتصادی از طریق تکانه‌هایی مانند جنگ، قیمت نفت و تحریم دانست. بسیاری از آثار منتشر شده در زمینه اقتصاد مقاومتی (برای نمونه نوده فراهانی، ۱۳۹۵؛ اختری، ۱۳۹۵؛ تشکینی و سوری، ۱۳۹۳؛ قلیچ و انصاری، ۱۳۹۴؛ بهادری‌جهرمی و فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵؛ رادسر و علیپور، ۱۳۹۲) فاقد این ویژگی هستند و غالباً ساختار خطابه‌ای و غیر استدلالی دارند.

علی‌رغم انطباق محتوای اثر با فهرست مطالب آن، چنان‌که از موارد نقد شده پیداست، محتوای اثر از لحاظ کمی و کیفی با موضوع مورد بررسی انطباق لازم را ندارد. هم‌چنین، نظر به هدف اصلی اثر مبنی بر تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران و ارائه راهکارهای عملیاتی، و با توجه به محتوای فصول سه‌گانه، می‌توان گفت که اثر از جامعیت لازم برخوردار نیست. از این رو، این اثر با توجه به حجم و محتوای مطالب، و نیز عدم انطباق لازم با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نمی‌تواند به‌عنوان یک منبع درسی اصلی برای تدریس درس اقتصاد مقاومتی تلقی شود؛ اما به‌عنوان یک منبع تکمیلی قابل استفاده است.

## ۲.۴ نقد درون‌ساختاری

برای بررسی ساختار درونی اثر از شاخص‌هایی مانند میزان انسجام و نظم منطقی مطالب، درجه اعتبار و کفایت منابع علمی، و میزان دقت و رعایت امانت استفاده کرد.

### ۱.۲.۴ میزان انسجام و نظم منطقی

یکی از شاخص‌های اصلی بررسی محتوایی اثر، ارزیابی نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر و در درون هر فصل است که نمود آن به‌صورت تسلسل عنوان‌های اصلی از یک‌طرف، و تسلسل عنوان‌های جزئی و پیوند آنها با نتیجه اثر از طرف دیگر است. هدف اثر تحلیل و واکاوی موضوعات اقتصاد کلان ایران تعیین شده است، حال آن‌که عنوان کتاب محدود به تحلیل شاخص‌ها (نه موضوعات) اقتصاد کلان است. عنوان فصل نخست «تحلیلی بر عملکرد اقتصاد کلان ایران طی دوره ۹۱-۱۳۳۸» است که این دوره به پنج مقطع زمانی نامنظم تفکیک شده است. عنوان فصل دوم نیز «تحلیلی بر عملکرد اقتصاد کلان ایران طی دوره ۹۱-۱۳۶۰» است که در آن دوره مورد بررسی به هشت مقطع زمانی چهارساله تفکیک شده است. در این خصوص چند نکته قابل تأمل است. نخست، دوره مورد بررسی در فصل اول، دوره موضوع بررسی فصل دوم را در برمی‌گیرد و توجیهی برای این هم‌پوشانی ذکر نشده است؛ دوم، وجه تفکیک به پنج یا هشت سال، و نیز ملاک انتخاب بازه چهارساله یا بازه متغیر نیز مبهم مانده و توضیح داده نشده است. علاوه‌برآن، شاخص‌های مورد بررسی برای ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان ایران در فصل اول و فصل دوم یکسان نیستند. در فصل دوم برخی از شاخص‌های فصل اول حذف و شاخص‌های دیگری جایگزین آنها شده است. در فصل سوم با عنوان «چالش‌ها و راهکارهای اقتصاد

کلان ایران با رویکرد مقاومتی» از دو شاخص «بهره‌وری» و «عمق بازارهای پولی و مالی» استفاده شده است که پیش از این در فصول قبل مورد نظر و منشأ اثر نبوده‌اند. این نشانه‌ها به نظم عنوان‌های اصلی و انسجام منطقی مطالب اثر تا حدودی خدشه وارد کرده است. فصل اول دارای یک بخش و جمع‌بندی نهایی است. عنوان بخش نخست با عنوان خود فصل یکسان است. این بخش پنج زیربخش با عنوان‌های مشابه دارد که براساس مقاطع زمانی مختلف و بدون ذکر ملاک تفکیک شده است. زیر هر یک از عنوان‌های زیربخش‌ها آمار چهارده شاخص در قالب جداول و نمودارها ارائه و گزارش آنها نیز به صورت مکتوب تکرار شده است. در زیربخش پایانی علاوه بر آمار، فهرستی از تحریم‌های وضع شده برضد ایران نیز ارائه شده است. در این زیربخش شاخص قیمت کالاهای وارداتی مورد بررسی قرار گرفته است. در هر حال، عنوان‌های این فصل متنوع نیست، بلکه مطالب این فصل تحت یک عنوان براساس دوره‌های مختلف تفکیک شده و فاقد انسجام منطقی است. فصل دوم با عنوان فصل اول و عنوان‌های زیربخش‌های آن (به جز تفاوت دوره‌های زمانی) یکسان است. وجه تمایز این فصل با فصل اول در عنوان و هدف نیست، بلکه در کوتاه شدن طول دوره و استفاده از دو شاخص جدید بیکاری و ضریب جینی، و انصراف از به‌کاربردن شاخص قبلی نرخ ارز برای ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران است. برخلاف فصل اول که عنوان‌های جزئی یکسان دارد، در فصل دوم به هر شاخص یک عنوان اختصاص داده شده است و زیر این عنوان‌ها، آمار شاخص‌ها در درون جداول و نمودارها نشان داده شده و مقادیر عددی آنها در متن به صورت نوشتار تکرار شده است. عنوان‌های جزئی فصل سوم که به بیان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی و راهکارهای مقاوم‌سازی اقتصاد کلان ایران پرداخته است، از نظم و انسجام منطقی بهتری برخوردار است.

#### ۲.۲.۴ اعتبار منابع و کیفیت استنادات

آمار جداول و نمودارها از دو منبع بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی اخذ شده است. به جز این دو منبع، از منبع دیگری در متن نام برده نشده است. تمامی مطالب توصیفی و تحلیلی اثر مبتنی بر آمار جداول و نمودارها است و فاقد هر استناد و ارجاع دیگری است. در فهرست منابع ۲۵ منبع ذکر شده که از این میان ۱۴ منبع از گزارش‌های آماری سال‌های مختلف بانک مرکزی است که از آنها با عنوان کلی «بانک مرکزی» در زیر تمامی جداول و نمودارها نام برده شده است؛ و ۲ منبع مرتبط با وزارت امور اقتصادی و دارایی است که از

آنها در زیر دو جدول صفحات ۱۸ و ۲۱ به عنوان منبع ذکر شده است، اما این دو منبع غیرآماری و درباره چارچوب سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و دلایل تورم و راه‌های مهار آن است که طبیعتاً نمی‌توانند مآخذ آمار مذکور در جداول یادشده باشند. در متن به بقیه مآخذ مذکور در فهرست منابع، استناد نشده است و مورد ارجاع قرار نگرفته‌اند. بنابراین، در این اثر تنها از منابع آماری استفاده شده است و تمامی تحلیل‌های ارائه شده بدون ذکر سند است؛ حال آن‌که در موارد متعددی، تحلیل‌ها متکی به آمار جداول نیست و نیاز به ارجاع به اسناد معتبر دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «در دوره ۶۴-۱۳۵۱ سیاست پولی اجرا شده است که طی آن رشد نقدینگی در اثر افزایش خالص ذخایر ارزی بانک مرکزی (سه برابر شدن خالص دارایی‌های خالص خارجی در سال ۵۳ نسبت به ۵۲ و هفت برابر شدن نسبت به ۵۱) افزایش یافته است (ص ۷)».

- «چالش‌ها و محدودیت‌هایی نظیر کاهش درآمدهای نفتی و بروز مشکل در بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت که سررسید آنها در سال ۱۳۷۳ بود، به افزایش نرخ تورم منجر شد» (ص ۱۳).

- «در ادبیات اقتصادی هرگونه تلاش در جهت دستیابی به موقعیت برتر از طریق ارتقای بهره‌وری و نوآوری را رقابت می‌نامند» (ص ۶۵).

- «براساس آمارهای بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ میلادی میزان گردش مالی بازار سهام نسبت به تولید خالص داخلی ایران ۲۱ درصد بوده است» (ص ۶۵).

- «سهم اعتبارات بانکی خلق شده در ترکیه و کویت به ترتیب ۴۹ و ۷۴ درصد گزارش شده است» (ص ۶۶).

- «حدود ۷۰ درصد از مشکلات واحدهای صنعتی از کمبود و انحراف نقدینگی بوده است» (ص ۶۶).

با توجه به موارد یادشده، علی‌رغم اعتبار منابع آماری مورد استفاده، به‌اندازه کافی از منابع معتبر علمی برای تبیین موضوعات مورد بحث استفاده نشده است؛ و اثر از لحاظ رعایت امانت، میزان دقت در استنادات و ارجاعات و توجه به اصول منبع‌دهی مطلوب نیست.



### ۳.۴ نقد برون‌ساختاری

برای بررسی ساختار برونی اثر باید میزان هماهنگی مفاد اثر با اصول و مبانی مفروض آن، و نیز میزان ارتباط و چالش مفاد اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی تحلیل و بررسی شود.

#### ۱.۳.۴ سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های مفروض

هدف تصریح شده اثر «بررسی متغیرهای کلان اقتصادی، تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و عوامل مؤثر بر آنها و برقراری رابطه علت و معلول‌ها» است (ص ۳). اما اغلب تحلیل‌ها به صورت بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی مذکور در جداول و نمودارهاست، به گونه‌ای که فصل دوم تماماً توصیف نوشتاری آمار ثبت شده در جداول یا نمایش داده شده در نمودارها و فاقد جنبه تحلیلی است (صص ۴۶-۲۳). در موارد معدودی که تغییرات یک یا چند متغیر به عنوان علت تغییرات متغیر دیگری ذکر شده است، صرفاً مستند به بررسی روند تغییرات متغیرها بوده و فاقد هرگونه تحلیل علیّی یا استناد علمی است.

تحلیل تغییرات متغیرهای اقتصاد کلان در سه فصل مذکور بدون ارائه مبانی و پیش‌فرض‌های مورد پذیرش اثر صورت گرفته است. اولین بار در صفحه ۵۳ تعریفی از اقتصاد مقاومتی بدون ذکر سند ارائه شده است. براساس این تعریف، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است که قادر به کنترل و خنثا کردن نوسانات داخلی و خارجی طرف عرضه و طرف تقاضا باشد. از این قرینه می‌توان استنباط کرد که در این اثر اقتصاد مقاومتی با «مقاوم سازی اقتصاد» تعریف شده است. در موارد مختلفی از سیاست‌های پولی یا مالی در گزارش وضعیت یا تحلیل سخن به میان آمده است (صص ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۲۵)، ولی سیاست‌های پیش‌فرض مورد قبول اثر مشخص نیست. گاهی به‌طور تلویحی نشانی از جهت‌گیری یافت می‌شود، ولی از سازواری لازم برخوردار نیست. برای نمونه، در صفحه ۶۷ در بحث از دخالت دولت، تصریح شده است که سؤال در خصوص اندازه دولت نیست و تأکید بر توانمندسازی دولت و چگونگی دخالت دولت، نه کوچک‌سازی دولت است (ص ۶۷). به نظر می‌رسد این موضع تا حدودی با «نکته کلیدی» مورد تأکید در فصل اول مبنی بر تأیید «اجتناب‌ناپذیر» تغییر سیاست‌های تثبیت اقتصادی به سیاست «اقتصاد آزاد» برای بازسازی اقتصاد پس از جنگ تحمیلی (ص ۱۴)، یا با مطلب مذکور در صفحه ۶۷ که «اقتصاد بازار هدف نهایی است»، سازواری چندانی ندارد. در هر حال، هیچگاه پیش‌فرض‌های مورد قبول اثر بیان نشده است؛ و به دلیل رویکرد توصیفی و غیر استدلالی اثر، قرینه‌های چندانی برای پی‌بردن به پیش‌فرض‌های مذکور در دست نیست.

### ۲.۳.۴ سازواری با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی

موضوع کتاب، بررسی شاخص‌های اقتصادی، توجه به تکانه‌های جنگ، نفت و تحریم، بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بررسی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، و ارائه راهکارهای مقاوم سازی اقتصاد ایران همگی نشانه‌های روشنی از توجه اثر به ارزش‌های اسلامی و تلاش در جهت پیش‌برد اهداف جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، میزان سازواری این اثر با مبانی و نگرش اسلامی در سطح بسیار بالایی است.

### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و لزوم تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمان رایج، باید آثار تولید شده در این حوزه بررسی و نقد شود تا زمینه لازم برای اصلاح ساختار اقتصاد ایران فراهم شود. از این رو، در این مقاله، کتاب «تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی» تألیف احمد تشکینی و امیررضا سوری بررسی و نقد شده است. هدف اصلی اثر (تحلیل موضوعات اقتصاد) بسیار گسترده‌تر از عنوان اثر (تحلیل شاخص‌های اقتصاد) است؛ و تحلیل مطالب در متن اثر نیز نه تنها به گستردگی دامنه موضوعات کلان اقتصاد ایران نیست؛ بلکه تنها برخی از شاخص‌های کلان مهم اقتصاد ایران را در بر می‌گیرد؛ و محتوای اثر از لحاظ کمی و کیفی با موضوع مورد بررسی انطباق کافی را ندارد.

بررسی ابعاد شکلی نشان داد که طرح‌روی جلد نماد و نشان مشخصی از اقتصاد مقاومتی ندارد. اثر فاقد برخی از اجزاء لازم مانند: پیشگفتار، مقدمه مؤلف، فهرست جداول و نمودارها، و جمع‌بندی کلی است. جداول در موارد متعددی (۲۵ درصد) بدون نیاز، مجدداً به صورت نمودار نیز تنظیم شده است. با وجود نقایصی همچون یکسان نبودن تعداد خطوط صفحات (۳۰ درصد کتاب) و استفاده همزمان از اعداد انگلیسی و فارسی، در مجموع کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر متوسط و کیفیت چاپ و صحافی خوب ارزیابی می‌شود. اثر از وجود برخی از اغلاط املائی، اشکالات دستور زبانی و ضعف در رعایت اصول نگارش عمومی و قواعد ویرایش تخصصی رنج می‌برد. متن از زبان علمی ساده برخوردار است، اما در برخی از زمینه‌های دیگر مانند: افاده درست لفظ بر معنا، رعایت زمان مناسب فعل، و یکسان نبودن ساختار جملات با ضعف نسبی مواجه است؛ و از نظر میزان روان و رسا بودن متوسط ارزیابی می‌شود.

بررسی ابعاد محتوایی اثر نشان داد که عملکرد اقتصاد یکبار در دوره ۹۱-۱۳۳۸ در پنج مقطع نامنظم و بار دیگر بدون ارائه توجیهی در دوره ۹۱-۱۳۶۰ با هشت مقطع چهارساله تحلیل شده است. تحلیل‌ها غالباً به صورت بررسی روند تغییرات متغیرهای مذکور در جداول و نمودارها و در حد توصیف و ذکر موارد بوده، فاقد تحلیل علی یا استناد علمی است. چالش‌های عمده اقتصاد ایران طی دهه‌های اخیر در وابستگی به نفت، جنگ تحمیلی، پایین بودن بهره‌وری، عمق کم بازارهای پولی و مالی و تحریم‌های بین‌المللی خلاصه شده است. برای رفع این چالش‌ها و مقام‌سازی اقتصاد ایران، بازآفرینی نقش دولت، توانمندسازی، آزادسازی، توسعه فضای رقابتی، بهبود فضای کسب و کار، کاهش وابستگی به نفت، جذب سرمایه‌های خارجی، و توسعه بازارهای پولی و مالی به‌عنوان راهکار معرفی شده است که این راهکارها غالباً کلی و پیش از این نیز مکرراً در ادبیات اقتصادی آمده است؛ و ارتباط این راهکارها با اقتصاد مقاومتی نیز مورد بحث قرار نگرفته است. در تحلیل مطالب، ادبیات موضوع و سوابق تحقیق مورد توجه قرار نگرفته و آراء دیگران بررسی و نقد نشده است. از نظر نوآوری، اثر را نمی‌توان نوآورانه دانست؛ اما به دلیل بررسی آماری نسبتاً زیاد و تلاش برای ارتباط روند تغییرات در دوره‌های مختلف با مقاومت اقتصادی از طریق تکانه‌هایی مانند جنگ، قیمت نفت و تحریم، این اثر را از بسیاری از آثار منتشر شده در زمینه اقتصاد مقاومتی که غالباً ساختار خطابه‌ای و غیر آماری دارند، متمایز می‌کند.

از نظر ساختار درونی، نشانه‌هایی مانند: تفاوت گستره هدف و عنوان کتاب، هم‌پوشانی دوره‌های مورد بررسی، تفکیک دوره‌ها به مقاطع متفاوت بدون توجیه منطقی، استفاده از شاخص‌های متفاوت برای تحلیل موارد یکسان به نظم عنوان‌های اصلی و انسجام منطقی مطالب اثر تا حدودی خدشه وارد کرده است. هم‌چنین، از لحاظ استنادات و ارجاعات، علی‌رغم اعتبار منابع آماری مورد استفاده، برای تبیین موضوعات از منابع معتبر علمی به اندازه کافی استفاده نشده است؛ و اثر از لحاظ رعایت امانت، میزان دقت در استنادات و ارجاعات و توجه به اصول منبع‌دهی مطلوب نیست.

از نظر ساختار برونی، مبانی و پیش‌فرض‌های مورد پذیرش اثر معلوم نیست. به قرینه می‌توان استنباط کرد که در این اثر اقتصاد مقاومتی با مقاوم سازی اقتصاد یکسان پنداشته شده است. در مواردی که از سیاست‌های پولی یا مالی سخنی به میان آمده است، نمی‌توان به سیاست‌های پیش فرض مورد قبول اثر پی‌برد. گاهی نیز به‌طور تلویحی نشانی از جهت‌گیری به سمت بازار آزاد و گاهی به‌سوی دخالت دولت یافت می‌شود، ولی این

تمایلات از سازواری لازم برخوردار نیست. اما از طرفی دیگر، عنوان کتاب، توجه به تکانه‌های جنگ، نفت و تحریم، و بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، و ارائه راهکارهای مقاوم سازی اقتصاد ایران همگی نشانه‌های آشکاری از توجه به ارزش‌های اسلامی و تلاش برای پیش‌برد اهداف جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، میزان سازواری این اثر با مبانی و نگرش اسلامی در سطح بسیار بالایی است.

این اثر اگرچه اساساً به منظور استفاده به عنوان منبع درسی تألیف نشده، اما برای اطلاع‌رسانی از چالش‌های اقتصاد ایران و آشنایی با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به صورت فرعی و تکمیلی قابل استفاده است.

## کتاب‌نامه

- اختری، عباسعلی. (۱۳۹۵). اقتصاد مقاومتی (زمینه‌ها - راهکارها)، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- افشار مهاجر، کامران. (۱۳۹۲). پایه و اصول صفحه‌آرایی. تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- بهادری جهرمی، علی و علی فتاحی زفرقندی. (۱۳۹۵). الزامات حقوقی تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. تهران: پژوهاک عدالت.
- تشکینی، احمد و امیر رضا سوری. (۱۳۹۳). تحلیلی بر شاخص‌های کلان اقتصادی در ایران (با رویکرد اقتصاد مقاومتی). تهران: نور علم.
- درودی، فریبرز. (۱۳۹۱). نقد منابع اطلاعاتی: شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت معیارهای نقد. تهران: خانه کتاب.
- رادسر، مصطفی و شیرزاد علیپور. (۱۳۹۲). مدیریت نظامی در تحریمات اقتصادی و نظامی. تهران: سنگ‌فرش.
- سیداخلاقی، محمد. (۱۳۸۰). راه و رسم تعیین حروف و انتخاب قطع کتاب. جهان کتاب، آبان، شماره ۴-۱۳۳، صص ۷-۴۴.
- شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی. (۱۳۹۰). پرسشنامه نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی (کتب ملی). <http://www.shmoton.ir>
- قلیچ، وهاب و رسول انصاری. (۱۳۹۴). عوامل موثر بر تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در نظام بانکی. یادداشت سیاستی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تیر ماه، صص ۱-۲۰.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی. ابلاغی مقام معظم رهبری. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

منصور زراءنژاد ۴۹

میرجلیلی، سید حسین. (۱۳۹۵). نقد و تحلیل متون خارجی منتشره در زمینه مقامت اقتصادی. همایش اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل. پنجشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۵. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه اقتصاد شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی.  
نوده فراهانی، اسماعیل. (۱۳۹۵). سه گفتار در باب اقتصاد مقاومتی. تهران: دفتر نشر معارف.

Zaman, Gh., Vasile, V. (2014). Conceptual framework of economic resilience and vulnerability at national and regional levels. Romanian Journal of Economics, No. 2, pp. 5-18.

